

مواضع اهل ترب که شتران آب کش میزند در سینه  
 اما بگویند سراسر بار لری زین را در سینه بکشند  
 مرک اینگز در وای و جوه فریش بود مردان خونز سخت  
 اویز که بن کور دم بونزنی گریز میدانده سینه اینگز در  
 سینه زده اندله سم اور و نیزه اولاجی مرد کور زین بود  
 شمشیر زهر بار صاعقه کور اندن اوز که دست کابل  
 و سایه رکاب ماح آتشبارون غیر پناه و امید  
 یوقدره زربینک عرصه گاه بیکاروه زباندی شمشیر زان  
 جان ستان ایلد و شمشیر لری بان بدیع ابیان طبع  
 ایلر ناندربت زبانش بود تیغ این سینه زنگو سنج  
 جزیه شمشیر تیز ای نادران عرب سوکند صانند  
 اعجب طراز نخته خاک کدیم مرات سر بره نیای شورده  
 کورینور که سینه بو کرده دستوار کت اک پچاره سی طله  
 تیغ انتقام اوله لاکه سزدن علی لاقبل بر مرد ناداری  
 کشته شمشیر لقمه نهنک هلاک اولیجی باز مانده لرکوز

این کتاب در میان  
 و با این کتاب  
 و با این کتاب

نانی

المانی شمشیر و زین اندن زین را در سینه بکشند  
 حکیم بن حرام مرد سلیح کیش عاقبت اندیش اولمقله  
 سکن عالمه فتنه به شد حرام حرم ایلیونجی الحال  
 کلان سر حر اندیش قوم اولان عجب بن ربیع  
 پیشکاهن پندی و تقدیم عریضه ایشار ایتدی یا با  
 الولید سنکه بیغوی سر بلند ان فریش سن فرمانک  
 مطاع و صواب دیدک واجب الاتباع در بگویند  
 بر حقه فاحوه ایلد راحت بخش دوست و دشمن اولد  
 نام نیک ایفا کت نامه سپیده صبح قیامت کتاب  
 اکلیل جهانیان اولور ایدی دیدی عجمه استعلام  
 الضمیر ایتد که حکیم بن حرام جو ادریب ای بز کوار  
 فریش بزیم قید فرس کشید سینه اینگز محمد اولان نام نهمقده  
 بطن کله نام موصفده کشته اصمصام سلامیان اوله  
 عمر و اختری خلفه کوز اولمقله رجا اولنور که عادت دین  
 اوزره خلیفه کوز خون بهاسنی اول موکه هر برده

سنی زای  
 بنده